مقاله پژوهشی
Research

شناسایی و تحلیل مولفه‌های اجتماعی موثر در گرایش جوانان روستایی به اعتیاد در مناطق روستایی شهرستان اصفهان

احمد حجاریان[۱]، یوسف قنبری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۵/۰۱

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر در مصرف و شیوع موادمخدر در بین جوانان روستایی بود. **روش:** این مطالعه یک تحقیق علی-مقایسه‌ای بود. نمونه مورد مطالعه تعداد ۴۵۰ نفر از جوانان روستایی شهرستان اصفهان بودند. پرسشنامه‌های مربوطه در ۱۵ روستای شهرستان اصفهان گردآوری شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که در بین عوامل خانوادگی و میزان مصرف، اختلاف خانوادگی و وابستگی خانوادگی و منزلت شغلی پدر موثر بود. همچنین، در بین عوامل اجتماعی احساسی آنومی، گرایش مسایل مذهبی و دینی و ارتباط با افراد معتاد موثرترین عوامل گرایش جوانان روستایی به مصرف موادمخدر بود. در بین عوامل فردی افزایش میزان تحصیلات امری بازدارنده در مصرف مواد به‌دست آمد. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که بین گرایش به مسایل دینی و مذهبی و میزان مصرف موادمخدر ارتباط منفی معنادار وجود دارد. همچنین، بین مولفه‌های بیکاری، تعامل با افراد معتاد و نزدیکی روستاها با مراکز شهری با گرایش جوانان روستایی به موادمخدر همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

کلید واژه‌ها: اعتیاد، بزهکاری اجتماعی، جوانان روستایی، موادمخدر

۱. نویسنده مسؤول: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان. پست الکترونیک: a.hajarian@ltr.ac.ir
۲. استادیار گروه برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

مقدمه

جهان در حال حاضر در کنار بحران تهدید بمب اتمی، بحران نابودی محیط زیست بحران فقر جامعه، شاهد بحران اعتیاد است. موضوع موادمخدر، همراه با عامل انفجار جمعیت و آلودگی محیط زیست، سه موضوعی است که کشورها، دیگر هر یک به تنهایی نمی‌توانند از پس آنها برآیند (استفان[1]، ترجمه پیرمرادی، ۱۳۸۸). پرسودترین تجارت‌های امروز دنیای ما، تجارت اسلحه و موادمخدر یعنی کسب و کارهایی برای نابودی بشر است (ممتازی، ۱۳۸۵). این درحالی است که اعتیاد در عین حال مهم‌ترین و دردناک‌ترین معضل اجتماعی است. مصرف افراطی و روزافزون موادمخدر به قدری است که دهه اخیر را عصر دارو نام گذاری کرده‌اند. بر اساس آخرین آمار رسمی اعلام شده از سوی سازمان ملل، تا سال ۲۰۰۸ میلادی، تعداد ۲۲۰ میلیون نفر معتاد در جهان وجود دارد(ممتازی، ۱۳۸۵). اعتیاد به موادمخدر، این سرطان اجتماعی، طی دهه اخیر یکی از مهم‌ترین بحران‌های بهداشتی و اجتماعی بوده است. واقعیت این است که امروزه علاوه بر برخی مشکلات اجتماعی مانند فقر و بیکاری، مسایل مرتبط با مدیریت محلی، جمعیت و نیروی انسانی، بالا بودن میزان مهاجرت روستایی و روند سالخوردگی نیروی کار کشاورزی، می‌توان آسیب‌های اجتماعی گسترده‌ایی را یافت که به دامنه روستاها نفوذ پیدا کرده‌اند. اگر روزگاری با مهاجرت گسترده نیروی جوان و فعال روستاها به شهر، زمینه فقر نیروی انسانی فراهم می‌شد، امروزه آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد به موادمخدر است که زمینه نابودی اندک سرمایه‌های انسانی باقی مانده در روستاها را فراهم آورده است. از این رو، پرداختن عمیق و جدی به مسایل اجتماعی روستاها که هم اکنون گذشته از مهاجرت، پدیده‌هایی چون اعتیاد، ضعف پیوندهای اجتماعی و کج رفتاری‌های اخلاقی را شامل می‌شود، امری ضروری و حیاتی است.

از نظر چارچوب نظری، نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و آنومی[2] (که از آن تحت عنوان نظریه فشار نیز یاد می‌شود) از سنت‌های تحقیقی و نظری متفاوتی به وجود آمده‌اند. اگرچه، به لحاظ این‌که آنها موضوع مشترکی دارند، معمولا در یک فصل منظور

1. Estefan 2. Anomi

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

می‌شوند، هرکدام از آنها نظم، ثبات و هماهنگی اجتماعی را منشا ایجاد همنوایی می‌دانند، درحالی که بی‌نظمی و عدم هماهنگی را منشا بروز جرم و انحراف محسوب می‌کنند. یک نظام اجتماعی (یک جامعه، اجتماع، یا خرده نظام در درون یک جامعه) در صورتی تحت عنوان یک نظام اجتماع سازمان یافته و هماهنگ توصیف می‌شود که در زمینه هنجارها و ارزش‌های آن نوعی اتفاق نظر درونی و اجماع رای وجود داشته باشد، میان اعضای آن همبستگی قوی به وجود آید و تعامل اجتماعی به گونه‌ای منظم در آن جریان یابد. برعکس، در صورتی‌که در همبستگی و انسجام اجتماعی آن خللی به‌وجود آید، یا کنترل اجتماعی در آن دستخوش زوال شود یا بین اجزا و عناصر آن تفرقه و پراکندگی به وجود آید، نظامی بی‌سازمان و آنومیک (نابسامان) توصیف می‌شود (آکرز و سلرز[1]، ۲۰۰۴). هرکدام از این نظریات قایل به این نکته هستند که هرچه همبستگی و انسجام در درون یک گروه، اجتماع یا جامعه کمتر باشد، میزان جرم و انحراف در آن بالاتر خواهد بود. هریک از آنها تلاش می‌کنند میزان بالای جرم بزهکاری در بین طبقات پایین محروم و گروه‌های قومی را تبیین کنند. هردو نظریه، در برخی مواقع، به طور خاص بر روی دسته‌های بزهکار و مجرم و خرده فرهنگ‌ها نیز متمرکز شده‌اند. بی‌سازمانی اجتماعی از طریق آثار رابرت بورسیک، رابرت سمپون و سایر کسانی که این نظریه را مورد تحلیل مجدد قرار داده‌اند، توجه نظری احیا شده‌ای را به خود جلب و ضمن مرتبط کردن این نظریه با نظریه‌های فعلی، انتقاداتی را نیز متوجه آن کرده است. بورسیک و گراسمیک[2] (۱۹۹۳) خاطر نشان می‌سازند که شاو و مک‌کی[3] مفروض نمی‌دانند که بوم‌شناسی شهری، شرایط اقتصادی محلات شهری و تغییرات اجتماعی سریع، علل مستقیم جرم و بزهکاری هستند، بلکه چنین مطرح می‌کنند که بی‌سازمانی اجتماعی باعث تحلیل رفتن کنترل اجتماعی غیررسمی در درون محلات و اجتماع شده، لذا میزان جرم افزایش می‌یابد. فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی عنصر مهمی است که در پشت مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی پیوند می‌دهد. وارنر و پریسی[4] (۱۹۹۳) در مطالعه خود نشان داده‌اند که رابطه‌ای قوی بین میزان تلفن به پلیس (توسط قربانیان تجاوز و سرقت) و فقر محلات، ناهمگونی

1. Akers & Sellers 2. Bursik & Grasmik 3. Shaw & Meckey 4. Warner & Pierce

سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۲
Vol. 7, No. 27, Fall 2013

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

نژادی، بی ثباتی جمعیتی، گسیختگی خانواده و تراکم بالای واحدهای مسکونی به عنوان شاخص‌های بی‌سازمانی اجتماعی وجود دارد. این ایده که بی‌سازمانی اجتماعی از طریق به تحلیل بودن کنترل اجتماعی غیررسمی بر روی جرم و انحراف تاثیر می‌گذارد، با تحقیقات گاتفردسن، مک نیل و گاتفردسن[1] (۱۹۹۱)، بورسیک[2] (۱۹۸۸)، سمپسون و گروز[3] (۱۹۸۹) و بورسیک و گراسمیک[4] (۱۹۹۳) تایید شده است. درباره آزمون رابطه بین جنبه‌های مختلف بی‌سازمانی اجتماعی و جرم، مطالعات و پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. اغلب این مطالعات روی عوامل کلان در سطح اجتماع و روابطشان با میزان جرم متمرکز شده است. برای مثال، استارک[5] (۱۹۸۷) چنین مطرح می‌کند که ویژگی‌های ساختاری نظیر تراکم جمعیتی بالا، بی‌ثباتی زیاد، فقر گسترده و فرسودگی ساختمان‌ها، همگی منجر به میزان بالای جرم خواهند شد. در مطالعه‌ای که اوزگود و چمبرز[6] (۲۰۰۰) درباره جرم جوانان در مناطق روستایی انجام داده‌اند، نشان داده می‌شود که بی‌ثباتی مکانی، عدم تجانس قومی و گسیختگی خانواده، با میزان بالای برخی جرایم نظیر تجاوز به عنف، ضرب و جرح و استفاده از سلاح همراه است. با این حال، این مطالعه رابطه‌ای بین جرایم مزبور و فقر با بیکاری نشان نمی‌دهد. در مجموع، می‌توان گفت که بی‌سازمانی اجتماعی نتیجه فرایندهای تضاد هنجاری و ارزشی، تغییرات فرهنگی، خلاهای فرهنگی و ضعف روابط اولیه است. از این رو، این وضعیت باعث کاهش کنترل اجتماعی بیرونی و سوق دادن افراد به سمت رفتارهای انحرافی می‌شود. در واقع، ویژگی‌هایی چون شهرنشینی، تحرک مکانی، ناهمگونی قومی یا نژادی و گسیختگی خانواده مانع از توانایی اجتماعی در اعمال کنترل اجتماعی برروی افراد می‌شود (رابینسون[7]، ۱۹۹۶) زمانی که یک جامعه بیشتر صنعتی می‌شود و تنوع بیشتری پیدا می‌کند، علقه‌های اجتماعی که بازدارنده رفتارهای جرم زا هستند، دیگر موثر نخواهد بود. در واقع، تاثیرات ملازم با توسعه نظیر بالارفتن آموزش، مهاجرت از روستا، ماهیت ناپایدار نیروی کار و تاکید برروی کالاهای مادی، موجب تحلیل رفتن مکانیسم‌های کنترل غیررسمی می‌شود. این

1. Gottfredson, McNeil & Gottfredson
2. Bursik
3. Sampson & Groves
4. Bursik & Grasmick
5. Stark
6. Osgood & Chambers
7. Robinson

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

شکست در نظام هنجاری، به عنوان افزایش دهنده جرم در ملل صنعتی و در حال صنعتی شدن، نگریسته شده است (کرون، اسکینر، ماسی[1] و آکرز، ۱۹۸۵).

اغلب پژوهش‌های انجام شده در حوزه اعتیاد روی عوامل تاثیر گذار در گرایش به اعتیاد و اعتیاد پذیری افراد تاکید کرده‌اند. همان‌طور که سام آرام، کردونی، دقاقله و افقه (۱۳۸۷) در تحقیق خود اشاره کرده‌اند گرایش به موادمخدر در محیط‌های روستایی نسبتا بالا است و مولفه‌هایی مانند گسترش بیکاری، دسترسی آسان به موادمخدر و ارتباط با افراد معتاد در گرایش جوانان روستایی به موادمخدر موثر و مولفه‌های گرایش دینی جوانان، دلبستگی به خانواده و احساس آسایش و احترام در عدم تمایل آنان به اعتیاد دارای اثرات مثبتی بوده است. نتایج تحقیق گلانتز، وینبرگ، مینر و کالیور[2] (۱۹۹۹) نشان داد که افراد جوان بین سنین ۱۲ تا ۲۵ سالگی در معرض خطر بیشتری نسبت به سوءمصرف قرار دارند. هرچه سن اولین تجربه بیشتر باشد خطر بیشتری در شکل گیری اعتیاد و اختلالات سوءمصرف در بزرگسالی وجود دارد. لیرود و ورودکس[3] (۲۰۰۰) در تحقیق خود نشان داده‌اند که متغیرهایی مانند جنسیت، قومیت، مدت اعتیاد، تحصیلات و موقعیت شغلی ارتباط معناداری با میزان اعتیاد ندارد.

باید یادآور شدکه تاکنون در زمینه علل و عوامل موثر بر اعتیاد مطالعات زیادی انجام شده، اما در زمینه میزان شیوع این عوامل به‌ویژه در جوامع روستایی، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. لذا با توجه به افزایش فقر روستایی، بیکاری و درآمد پایین، نداشتن امید به آینده و گرایش جوانان روستایی به سوی شهرها، پژوهش حاضر با همین رویکرد، به بررسی وضعیت جوانان روستاهای شهرستان اصفهان از نظر میزان شیوع موادمخدر و عوامل موثر برآن پرداخته است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

این پژوهش بر اساس روش تحقیق علی-مقایسه‌ای انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش را تمامی جوانان سنین ۱۵ تا ۳۰ سال روستاهای شهرستان اصفهان در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دادند که مشتمل بر ۱۵ هزار نفر بودند. پس از بررسی‌های لازم با توجه به شرایط منطقه

1. Krohn, Skinner & Massey 2. Glantz, Weinberg, Miner & Colliver 3. Liraud & Verdoux

سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۲
Vol. 7, No. 27, Fall 2013

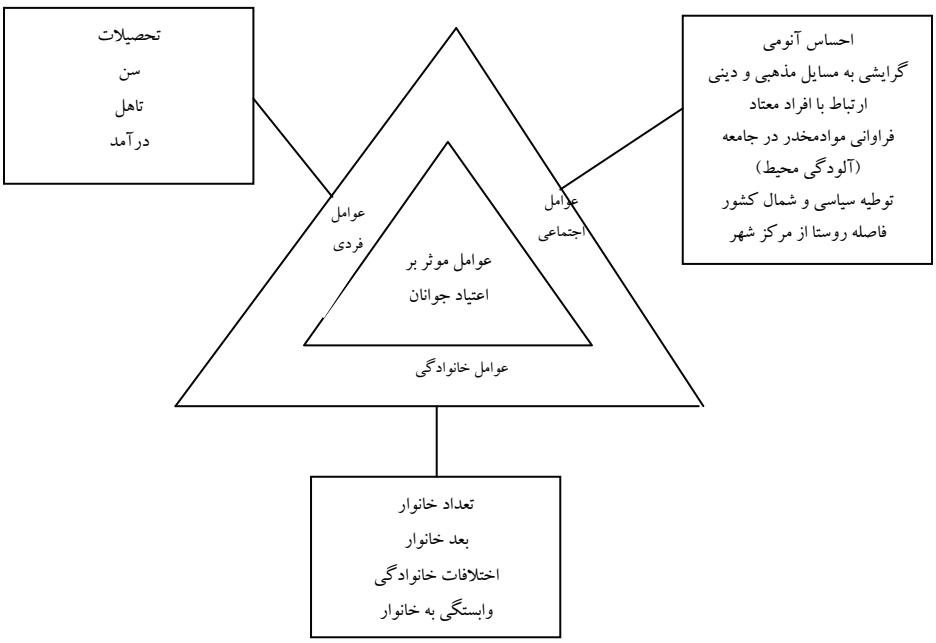
[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

و میزان همخوانی روستاها در نهایت ۱۵ روستا به عنوان نمونه در منطقه مورد مطالعه انتخاب و تعداد روستاها به روش نظام‌مند تعیین شدند که از این میان تعداد ۴۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار

ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود. به منظور اطمینان از روایی محتوایی پرسشنامه و مفاهیم و گویه‌های مورد استفاده، نخست پرسشنامه به ۴۰ نفر از افراد جامعه‌ی آماری ارایه شد. با توجه به نظرات آن‌ها گویه‌های نامناسب حذف شدند. بعد از حذف گویه‌های ضعیف همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه محاسبه و حد قابل قبولی به‌دست آمد (α=۰/۸۲). پس از تکمیل پرسشنامه با گفت‌وگوهای دقیق با جوانان روستایی، در تایید پرسشنامه‌ی نهایی نیز از نظرات صاحب نظران و متخصصان استفاده‌ی لازم به عمل آمد. با توجه به مدل مفهومی زیر پرسشنامه دارای مولفه‌های فردی (۱۵گویه)، اجتماعی (۱۲گویه)، خانوادگی (۹گویه) بود که با استفاده از طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شد.

سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۲
Vol. 7, No. 27, Fall 2013



شکل ۱: مدل مفهومی مرتبط با عوامل موثر بر اعتیاد

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

یافته‌ها

نتایج به‌دست آمده از ویژگی‌های فردی نشان داد میانگین (انحراف استاندارد) سن گروه نمونه ۲۲ (۱۰/۵۱) سال بود. از نظر وضعیت تحصیلی، ۹۵ درصد سواد خواندن و نوشتن داشتند که از این مقدار ۵۲ داشتند دارای مدرک سیکل، ۲۸ درصد مدرک دیپلم و ۲۰ درصد نیز دارای مدرک بالاتر از دیپلم بودند. میانگین (انحراف استاندارد) بعد خانوار در روستاهای موردمطالعه ۵/۴ (۱/۷۱) نفر بود. همچنین، در بررسی ویژگی‌های خانوادگی متغیرهای، اختلافات خانوادگی، وابستگی به خانواده و منزلت شغلی پدر با استفاده از مقیاس لیکرت (پنج گزینه‌ای) مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر ارایه شده است.

جدول۱: آماره‌های توصیفی ویژگی‌های خانوادگی مرتبط با اعتیاد از دیدگاه گروه نمونه

گویه‌ها	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
اختلافات خانوادگی	٪۳۵	٪۳۰	٪۱۷	٪۱۰	٪۸
وابستگی به خانواده	٪۲۵	٪۱۸	٪۳۵	٪۱۵	٪۷
منزلت شغل پدر	٪۲۷	٪۳۰	٪۱۷	٪۱۹	٪۷

برای بررسی عوامل اجتماعی نیز از مقیاس لیکرت استفاده شد. نتایج نشان داد که عامل ارتباط با افراد معتاد با ۶۵ درصد، فراوانی موادمخدر با ۵۳ درصد و احساس آنومی با ۴۲ درصد در حد زیاد و بسیار زیاد در گرایش افراد به موادمخدر موثر بوده‌است.

برای اندازه‌گیری آشنایی با موادمخدر از دو گزینه‌ی شنیدن نام مواد، و دیدن موادمخدر سوال شد. به لحاظ شنیدن نام موادمخدر بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به تریاک (۹۸٪)، حشیش(۹۵٪)، هروئین(۸۵٪)، شیشه (۶۰٪)، اکستاسی (۳۵٪) و متادون (۱۷٪) بود. به لحاظ دیدن موادمخدر بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به تریاک (۷۳٪)، هروئین (۵۷٪)، شیشه (۴۵٪)، حشیش (۳۹٪)، اکستاسی (۱۱٪) و متادون (۵٪) بود. همچنین، در ارتباط با تجربه مصرف موادمخدر نتایج نشان داد که نوع مواد مصرفی به ترتیب شامل سیگار (۹۸٪)، تریاک (۵۸٪)، حشیش (۲۱٪)، هروئین (۱۷٪)، شیشه (۱۰٪)، اکستاسی (۳٪)، متادون (۵٪) و آمفتامین (۳٪) می‌باشد. بررسی وضعیت سنی افراد دارای تجربه مصرف موادمخدردر جدول زیر ارایه شده است.

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

جدول۲: آماره‌های توصیفی مرتبط با وضعیت سنی مصرف‌کنندگان موادمخدر

گویه‌ها	میانگین سن مصرف‌کنندگان	میانگین سن زمان شروع	میانگین مدت مصرف
تریاک	۲۱/۲	۱۹/۵	۵/۱
حشیش	۱۹/۳	۱۸/۷	۳/۲
هروئین	۲۳/۵	۲۱/۳	۴/۷
شیره	۲۷	۲۵	۵/۵
اکستاسی	۱۹/۱	۱۶/۹	۳/۱
سیگار	۱۶/۲	۱۵/۲	۱/۳

نتایج مربوط به دلایل مصرف موادمخدر نشان داد: ۲۷ درصد دلیل مصرف مواد را فراوانی مشکلات اعلام کردند. همچنین، ۲۵ درصد مصرف تفریحی و لذت‌جویی، ۲۲ درصد مخالفت با محدودیت‌های اجتماعی، ۷ درصد یاس و ناامیدی، ۷ درصد کنجکاوی و ماجراجوئی، ۶ درصد شکست عشقی و عاطفی، ۲ درصد غلبه بر خواب و خستگی، ۲ درصد درمان بیماری و استفاده دارویی و نهایتا ۱ درصد ترک کردن ناموفق موادمخدر را به عنوان علت مصرف مواد اعلام کردند. نظرگروه نمونه در ارتباط با خطرناک بودن موادمخدر نشان داد: به ترتیب بیشترین میزان خطر مربوط به هرویین با ۸۷ درصد، شیره ۸۰ درصد، اکستاسی ۷۱ درصد، حشیش ۶۵ درصد، تریاک ۵۷ درصد و نهایتا متادون با ۵۱ درصد می‌باشد.

سهولت دسترسی به موادمخدر یکی از عوامل آسان کننده مصرف مواد است به گونه‌ای که نتایج نشان داد ۶۵ درصد پاسخ دهندگان معتقدند موادمخدر به آسانی در دسترس قرار دارد و تنها ۳۵ درصد معتقدند که دسترسی در حد دشوار و نه چندان دشوار است. البته مصرف‌کنندگان موادمخدر نسبت به افراد غیرمصرف‌کننده بیشتر به سهولت دسترسی به موادمخدر اعتقاد دارند.

نتایج تحقیق در زمینه نگرش به موادمخدر نشان داد: ۹۲ درصد از پاسخ دهندگان اعتیاد را بیماری می‌دانند؛ ۸۷ درصد از پاسخ دهندگان مصرف سیگار را باعث اعتیاد می‌دانند؛ ۷۶درصد از پاسخ دهندگان مصرف الکل را باعث اعتیاد می‌دانند؛ ۸۵ درصد از پاسخ دهندگان دوستان و آشنایان را باعث اعتیاد خود می‌دانند؛ ۶۰ درصد از پاسخ دهندگان معتقدند مصرف تفننی موادمخدر باعث اعتیاد می‌شود؛ ۷۵ درصد مشکلات ناشی از زندگی را سبب

سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۲
Vol. 7, No. 27, Fall 2013

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

مصرف موادمخدر می‌دانند. در مجموع ۸۲ درصد نسبت به موادمخدر نگرش منفی و ۱۲ درصد نظر مثبت و بقیه نگرش بینابینی نسبت به موادمخدر داشتند.

نتایج عوامل و زمینه‌های تشدیدگرایش به موادمخدر از دیدگاه گروه نمونه نشان داد: به ترتیب فراوانی بیکاری (۷۵٪)، دسترسی آسان و فراوان (۶۷٪)، ارتباط با دوستان ناباب (۶۰٪)، اختلاف خانوادگی (۵۱٪)، مشکلات روحی و عاطفی (۴۷٪)، داشتن والدین معتاد (۲۵٪)، محدود بودن فضای فعالیت اجتماعی (۱۵٪)، ثروت و رفاه (۱۳٪) و نهایتا بیماری (۱۲٪) از عوامل مرتبط هستند.

همچنین، برای بررسی ارتباط بین میزان مصرف مواد با برخی از متغیرهای محیطی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین میزان مصرف و بعد خانوار وجود نداشت (r=۰/۰۵۷, P>۰/۰۵)، اما رابطه معناداری بین اختلافات خانوادگی و میزان مصرف (r=۰/۴۵, P<۰/۰۰۱)، رابطه منفی معناداری بین وابستگی به خانواده و میزان مصرف (r=-۰/۱۷۵, P<۰/۰۱) به دست آمد.

همچنین، برای بررسی ارتباط بین میزان مصرف مواد با متغیرهای اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین میزان مصرف مواد و احساس آنومی (r=۰/۲۱۵, P<۰/۰۱)، گرایش به مسایل مذهبی (r=- ۰/۴۵۱, P<۰/۰۰۱)، میزان تعامل با افراد معتاد (r=۰/۳۵۲, P< ۰/۰۰۱)، آلودگی محیط (r=۰/۱۷۶, P<۰/۰۱)، و فاصله از مرکز شهر (r=۰/۴۵۱ , P<۰/۰۰۱) وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

سال‌ها است که موضوع موادمخدر به یکی از مهم‌ترین مسایل اجتماعی در همه کشورها تبدیل شده است. در سال‌های اخیر ابعاد مساله هم در سطح کشور ایران و هم در سطح جهانی به حد نگران کننده‌ای رسیده است و گفتگوها، پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی برای شناخت ابعاد مساله و کنترل آن صورت گرفته است. در این میان، آسیب پذیرترین گروه جوانان هستند، که به دلیل بحران هویت، بحران‌های روانی ناشی از مشکلات اجتماعی، ماجراجویی، لذت جویی و تنوع طلبی بیش از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض استفاده از موادمخدر قرار می‌گیرند. مصرف موادمخدر و اعتیاد در سال‌های اخیر در ابعاد

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

گسترده‌ای گریبانگیر جوانان درجامعه ایران نیز شده است که جوانان روستایی نیز از این زمره محروم نیستند. این پژوهش با هدف بررسی شیوع موادمخدر در بین جوانان روستایی و متغیرهای موثر بر آن در سطح روستاهای شهرستان اصفهان و در بین جوانان ۱۵ تا ۲۰ سال طراحی و با بهره‌گیری از روش پیمایش اجرا شده است. مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش به میزان آشنایی و دسترسی جوانان روستایی شهرستان اصفهان به موادمخدر و نیز مهم‌ترین عوامل موثر بر مصرف و گرایش به موادمخدر در میان جوانان روستایی مربوط می‌شود. به گونه‌ای که بیش از ۶۵ درصد پاسخ دهندگان معتقد بودند موادمخدر به آسانی در دسترس قرار دارد. این نتیجه با نتایج تحقیق خلیلی (۱۳۸۶) همخوانی دارد به گونه‌ایی که در آن تحقیق نیز از مهم‌ترین عوامل اعتیاد فرد، در دسترس بودن موادمخدر گزارش شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بیشترین تجربه مصرف موادمخدر مربوط به سیگار و تریاک، به ترتیب با مقادیر ۹۸ درصد و ۵۸ درصد بوده است. همچنین، تریاک و هرویین با مقادیر ۷۳ درصد و ۵۷ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی را به لحاظ آشنا بودن مصرف کنندگان داشته‌اند. از لحاظ میانگین مدت مصرف موادمخدر، شیره و تریاک با مقادیر ۵/۵ و ۵/۱ درصد بیشترین مقادیر را به خود اختصاص داده‌اند. از دیدگاه مصرف‌کنندگان موادمخدر و مشروبات الکلی، مهم‌ترین دلایل مصرف این مواد تفریح و لذت جویی، فرار از مشکلات، مخالفت با محدودیت‌های اجتماعی است،گسترش بیکاری و دسترسی آسان به موادمخدر نیز مهم‌ترین عوامل آن به شمار می‌روند. نتایج تحقیق بشارت (۱۳۸۶) نیز نشان داده است که موقعیت اجتماعی و منزلت خانواده، با شکل‌گیری وابستگی به موادمخدر ارتباط معناداری دارد. در مجموع، با توجه به ملاحظات محیط‌های روستایی، به نظر می‌رسد که فراهم‌سازی زمینه‌های پرکردن اوقات فراغت در فضاهای روستایی در کاهش گرایش جوانان به موادمخدر نیز همچون دیگر آسیب‌های اجتماعی نقشی کلیدی و مثبت ایفا کند. در همین چارچوب، ایجاد زمینه‌های اشتغال‌زایی در محیط‌های روستایی نیز که مبحثی پرسابقه است، گامی موثر و مثبت خواهد بود. این دیدگاه که گسترش اشتغال در روستاها به اندازه محیط‌های شهری اهمیت ندارد؛ دیدگاهی است که بی‌شک، با غفلت از گسترش مهاجرت جوانان روستایی، آن دسته از

سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۲
Vol. 7, No. 27, Fall 2013

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

جوانان مایل به ماندن در فضاهای روستایی را نیز با انواع آسیب‌های اجتماعی و در راس آنها اعتیاد مواجه می‌سازد و سرانجام، به ضعف و فقر محیط‌های روستایی خواهد انجامید. مقوله دین در روستاها نیز از جمله مواردی است که در سایه تصویری تثبیت شده از محیط‌های روستایی مبنی بر دینی و سنتی بودن آنها چندان بدان توجه نمی‌شود و چه بسا به تدریج تصویری وارونه را شاهد باشیم، اما به نظر می‌رسد که اقدام برای تقویت گرایش‌های دینی و معنوی در فضای روستایی بسیار اهمیت دارد. یافته‌های تحقیق نشان داد که این عامل در کنترل و بازدارندگی جوانان روستایی نسبت به موادمخدر نقش بسزایی دارد. یافته مذکور با پژوهش عبدالرسولی (۱۳۸۶) همخوانی دارد. نتایج پژوهش عبدالرسولی (۱۳۸۶) نشان داده است که دین‌داری باعث کاهش گرایش جوانان به اعتیاد می‌شود.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش این بود که با توجه به حساسیت موضوع و عدم دستیابی به اطلاعات و آمار موجود در زمینه اعتیاد جامعه روستایی، تنها تعداد محدودی روستا مورد پرسش قرار گرفتند. بنابراین، در تعمیم این یافته‌ها به کل جامعه باید احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده روی عوامل موثر بر گرایش جوانان روستایی به مواد مصرفی تاکید بیشتری شود. پیشنهاد دیگر این است که با توجه به این‌که پژوهش حاضر نقش عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی را در گرایش به موادمخدر موثر می‌داند به نظر می‌رسد که پژوهش‌های آینده این عوامل را با تفصیل بیشتری و در مکان‌های دیگری مورد بررسی قرار دهند.

سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۲
Vol. 7, No. 27, Fall 2013

منابع

استفان، سووان (۱۳۸۸). *روابط خانوادگی و اعتیاد*، ترجمه سعید پیرمرادی، اصفهان: انتشارات همام

بشارت، محمد علی (۱۳۸۶). آسیب شناسی خانودگی اعتیاد. *فصلنامه روان درمانی*، *۱۲*(۴۳-۴۴)، ۲۵-۴۱

خلیلی، احمد (۱۳۸۶). عوامل اعتیاد. *ماهنامه نفت پارس*، *۱۴*(۴۶)، ۴۶-۴۲

سام آرام، عزت الله؛کردونی، روزبه؛ دقاقله، عقیل؛ افقه، سید مرتضی (۱۳۸۷). آسیب اجتماعی اعتیاد در بین جوانان روستایی مطالعه مورد روستاهای شهرستان اهواز. *فصلنامه روستا و توسعه*، *۱۱*(۳)، ۵۰-۲۷

عبدالرسولی، رضا (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر در اعتیاد جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله شهر تهران بر اساس نظریه آگینو، *۹*(۲)، ۱۱۵-۷۹

ممتازی، سعید (۱۳۸۵). *خانواده و اعتیاد*، تهران: انتشارات مهدیس

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]

Akers, R. L Sellers, S. (2004). *Criminological Teoreis: Introduction, Evaluation and Application*. Los Angeles, CA*:* Roxbury Publishing

Bursik, J, .R Grasmick. G. H. (1993). *Neighborhoods and Crime: the Dimensions of Efective Community Control* .New York: Lexington Books

Bursik, R.J. (1988). Social Disorganization and Theories of Crime and Delinquency: Problems and Prospects. *Criminology*, 26, 519-551.

Glantz, M. D., Weinberg, N. Z., Miner, L. L., & Colliver, J. D. (1999). The etiology of drug abuse: Mapping the paths. In M. D. Glantz & C. R. Hartel (Eds.), *Drug abuse: Origins and interventions* (pp. 3–45).Washington: American Psychological Association.

Gottfredson, D.C., McNeil III, R.J. and Gottfredson, G.D. (1991). Social area influences on delinquency: A multilevel analysis. *Journal of Research in Crime and Delinquency, 28*(2), 197–226.

Krohn, M. D., Skinner, W. F., Massey, J. L., & Akers, R. L. (1985). Social learning theory and adolescent cigarette smoking. *Social Problems, 32*, 455–473.

Liraud, F & Verdoux, H. (2000). Which temperamental haracteristics are ssociated with substance abuse in subjects with psychotic and mood disorders? *Psychiatry Research*, *93*(1), 63– 72.

Osgood, D. W., and Chambers, J. M. (2000). Social disorganization outside the metropolis: An analysis of rural youth violence. *Criminology* 38, 81–115.

Robinson, M. (1996). *The Theoretical of CPTED 25 years of Responses* to C. Ray Jeffry edited by: William /auger and Freda Adler, Appalachian State University-Department of Political Science and Criminal Justice.

Sampson, R.J., and Groves, W.B. (1989). Community structure and crime: Testing social-disorganization theory. *American Journal of Sociology, 94*(4), 774–802.

Stark, R. (1987). Deviant places: A theory of the ecology of crime. *Criminology*, 25(4), 893–909.

Warner, B. D., & Pierce, G. L. (1993). Reexamining social disorganization theory using calls to the police as a measure of crime. *Criminology*, *31*(4), 493–517

[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2026-10-31]